

# خوابی خوش، که به کابوسی وحشتناک مبدل خواهد شد

در حالی که هزاران نفر از نیروهای انقلابی و زحمتکشان کشور به "جرم" میهن پرستی و دفاع از حقوق مردم در دخمه و سیاه چالهای متعدد رژیم زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار دارند و حال آنها روز به روز وخیم تر می شود، برپاکنندگان خیمه شب بازی های امروزی در ج ۱۰ هر از چند گاه، برای فریب افکار عمومی و نیز جلب رضایت اربابان خارجی، نمایش تازهای در تکیذ به اصطلاح "شایعه شکنجه" برپا می کنند که فی نفسه مشحک و خنده آور و سبب باز شدن مشت کسانی است که سرزنش اصلی در دست آنهاست. این نمایش ها، علیرغم زمینه چینی ها و ترفند ها، جز این که موجب تمسخر تماشاگران بشود، نتیجه دیگری در پی ندارد.

یکی از این خیمه شب بازی ها اخیرا به ابتکار جلادان این در حضور برخی از خبرنگاران غریب برپا شد و گزارش آن بصورت اعلامیه ای از نوع اعلامیه های ساواک فرموده که توسط "مقام های امنیتی" تنظیم می شد، با یک شکل و یک عنوان، بدو یک "و" پس و پیش در مطبوعات مجاز کشور از جمله "کیهان" و "اطلاعات" و "جمهوری اسلامی" چاپ شد.

در این نمایش دروغ و نفرت اندیز، گروهی بر اساس سناریوی از پیش تنظیم شده ای در "یکی از استخرهای زندان" (۱) به اصطلاح "در حال شنا کردن" بودند، به مجرد آگاهی از ورود خبرنگاران به این "دانشگاه" بیرحمی و بقیه در صفحه ۲



دوره هشتم - سال اول - شماره ۱۳  
پنجشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۳  
بها ۲۰ ریال

## حزب توده ایران از میان خلق برخاسته و در خدمت خلق است

ما چه می گفتیم و می گوئیم که آقای دبیر کل را چنان بر آشفته ساخته که حزب ما را "خبثت" و "مضر" می نامد. بگفته خامنه ای گویا هدف ما از حمله به حزب جمهوری اسلامی جلوگیری از تشکیل آن و ممانعت از تحکیم ج ۱۰ بوده است. آقای دبیر کل سفسطه می کند. هم تشکل و هم تحکیم پایه های ج ۱۰، که وی آن را در موجودیست حزب جمهوری اسلامی خلاصه می کند، از تسلط ارگانیک با برنامه و خط مشی سیاسی خود آن دارد. از بدو تشکیل حزب جمهوری اسلامی کلان سرمایه داران و اعضا سازمان معلوم الحال "حجتیه" در رهبری آن لانه کردند، و این نمی توانست در تصمیم گیری های حزب مؤثر نباشد. بعد از تشکیل کنکره حزب جمهوری اسلامی موضع جناح ارتجاعی پیش از پیش تقویت یافت و نقش فعالی در چرخش مجموعه رژیم به راست در سیاست داخلی و خارجی ایفا نمود.

مردم حق دارند بپرسند: حزب جمهوری اسلامی که در مجلس دوره اول اکثریت را بدست داشت، و نخست وزیر و اکثر وزرا اعضای آن حزب بودند چه تدابیری در جهت دفاع از منافع توده های زحمتکش اتخاذ نمود؟ چرا پس از گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب وعده اصلاحات ارضی روی کاغذ باقی ماند و بچه علت فرمان نیم بند شورای انقلاب معروف به بند "ج" و "د" در زمینه واگذاری زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین ملتی شد؟ به چه علت قانون کار و بیمه های اجتماعی مورد نظر طبقه کارگر تدوین و به تصویب نرسید؟ چرا حزب حاکم کوچکترین گامی در جهت مهارتورم و گرانی افسار گسیخته بر نمیدارد و چه کسانی به کلان سرمایه داران آزادی عمل بی سابقه غارت بازگویی کنیم.

## انفجار بمب در میدان راه آهن: جان مردم بیگناه بلاگردان توطئه محافل ارتجاعی و امپریالیستی

انفجار پر قدرت و ویرانگری در میدان راه آهن صحنه خونینی آفرید. در نتیجه این انفجار ۸۰ تن از هموطنان بی گناه ما کشته و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح شدند. ما ضمن محکوم ساختن این اقدام تبهکارانه، مراتب عمیق همدردی حویس را با همه خانواده های حادثه دیده اعلام می داریم.

بدون شك هر كس كه صحنه دلخراش انفجار را از نزدیک دیده یا خبر آنرا شنیده و یا می شنود بی درنگ این پرمش برایش پیش می آید: چه کسی بقیه در صفحه ۶

## وظایف کارگران پیشرو در شرایط مشخص کنونی کشور

پیام شادباش به رفیق زامبین باتمونخ

بمناسبت انتخابان به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان شاد باشهای برادرانه کمیته مرکزی حزب توده ایران را بپذیرید. حزب ما دیربازی است، که شما را بدانند. مارکسیست - لنینیستی وفادار و مبارزی خستگی ناپذیر برای سوسیالیسم می شناسد.

ضمن آرزوی موفقیت در راههای وظیفه خطیرتان امید داریم که مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق مغولستان در آینده نیز همچنان گسترش یابد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۴ اوت ۱۹۸۶

# وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

### خوابی خوش، که به کابوسی وحشتناک مبدل خواهد شد

شده از صفحه ۱

سنگدلی، گرد آنها "جمع" شدند و با شمار به عت حزب الله، امین شده دانندگاه" که محتوای زندانی آن بر همه کس روشن است، مراتب "حق شناسی" خود را نسبت به درخیمان و جنبه گران و عمق به اصطلاح فعالیتهای "فر-حسی" آنان در این سیاه چال، اعلام کردند. حیرتگاران از سالنها و محل های از پیش تعیین و آماده شده، طبق یک برنامه، کاملا دقیق، عبور کردند و برخی از "نادمین" که قبلا آموزشهای لازم به آنها داده شده بود، به سؤال های "ما پاسور گفتند، البته پاسخهای دلخواه امثال دجوردی ها، دایر بر تذیب شکنجه و در رد مسائل "ناشی از تبلیغات سو" (۱) و انتشار مطالبی بر خلاف واقعیات موجود (۱) و تصویرهایی که رسانه های گروهی جهان از زندان امین و برخورد مسئولین زندان تصویر می نمایند (۱) " میبود.

حیرتگاران از لاجوردی پرسیدند "نظر شما درباره" ادعای اعمال شکنجه در این زندانگاه چیست؟" او با اشاره به کسانی که دوروبر آنها جمع شده بودند، گفت از خودشان بپرسید، آنها شعارهایی دادند، از همان دست که اشارت شد و برای جلب "رضایت" زندانیان و رهایی از بند طوطی وار صابلی را مطرح کردند، دایر بر این که زندان "امین" افسانه ای پیش نیست، ساخته و پرداخته به اصطلاح "گروهک" ها - اینچاسا "دانشگاه امین" است و در آن درس "انسان - سازی" داده می شود. درست مثل دوران شاه. شاه معدوم دست در جیب جلیقه "غذ گلوله" خود می کرد و با ژست مخصوص می گفت: "ما زندانی سیاسی ندایم، اینها مشتکی ترور نیست اند"، شکنجه در زندانهای ما شایعه ای بیش نیست، حالا همان حرفها به شیوه ای دیگر از زبان بران ج ۱۰۰ تکرار می شود.

در آن سالها برخی از زندانیان امثال دجوردیها که به زندانیان کنونی تبدیل شده و همبندان قبلی خود را شکنجه می کنند، به نشان شاه پوزخند می زدند، چرا که خود از وضع شکنجه در زندان باخبر بودند و می دانستند که در خمه های تنگ و تیره، رژیم که هزاران زندانی را در خود جای داده بود، ندیچه جنایاتی اتفاق می افتد، آنها امروز هم به درستی می دانند که جنای این خیمه شب بازی ها و نمایشهای مخیره پیش مردم رنگی ندارد و همه از چند و چون شکنجه و ابعاد جنایتهایی که پنهان و بی صدا انجام می شود، جسسته و گریخته خبردارند. آنها سعی می دانند که ارباب زندان جرأت بگردن حیرتگاران را به سلولهای انفرادی، اتاقهای تنگت و کارگاه های شکنجه ندارند.

فجایمی که هم اکنون در زندانهای ج ۱۰ اتفاق می افتد به مراتب وحشتناک تر از پیش و حتی موجب شکفتن کارکشتگان این امر در سطح جهان است. فشارهای عصبی آنچنان شدید و

پردامنه است که حدی بر آن نمی توان تصور شد. دستبند های قهانی که زمان "رضاخان فلدر" از آنها استفاده می شد دوباره به کار افتاده و از ابزار پیش پا افتاده "شکنجه و "تعزیر" میهن - پرستان است. درخیمان در نهایت بی رحمی دستهای زندانیان را از بالا می بندند و آنها را آویزان می کنند. بعد به تائی آنها را بالای کشند بطوری که دستها و بدن کش بیاید و فقط نک - انکشتان پا با زمین تماس شود. قوی ترین انسانها بیش از چند دقیقه نمی توانند در زیر این شکنجه تاب بیاورند. شکنجه گران با تکرار این عمل که گاه موجب بییهوشی و حتی مرگ می شود، محکومین را به سخن گفتن و "اقرار" به گناهان ناکرده وامی - دارند. در اتاقهای تشییت انواع و اقسام کابل - های سیمی و لاستیکی با قطرها و اندازه های مختلف به دیوارها آویزان است و درخیمان این ابزار را به تناوب به کار می گیرند. کمترین تعداد ضربات کابل که توسط حاکمان "شرع" تجویز می شو در رهزنبوت تعزیر، ۱۵۰ ضربه است که به کف پاها زده می شود. هر بار پس از تعزیر با کابل، پاها ی زندانی به شدت ورم می کند، بطوری که قوه حرکت از او سلب می شود و پیرک و خون از زخمها دناها جاری است. این شکنجه گاهی مرتب پاره - شدن طحال و خونریزی توأم با ادرار می شود. در سلولهای انفرادی که جای نفس کشیدن هم نیست، برخی از زندانیان را با دستبند سه دیوارها و میله های آهنین می بندند. آنها محکومند که در همین حال غذا بخورند و بخوابند. فقط هنگام رفتن به توالت هر روز چهار یا پنج بار به مدت چهار یا پنج دقیقه آنها را باز می کنند. این شکنجه که درخیمان آن را هم "تعزیر" می - نامند گاهی تا ۱۵ روز ادامه می یابد.

در شکنجه گاههای ج ۱۰، مدت و لنگد و انواع فحش ها و حرکات توهین آمیز امری عادی است. شکنجه گران می دانند با مشت و لنگد به کجای بدن بزنند که زندانی زجر بکشد اما نمیرد. آنها این امر ضد انسانی را با غریزه حیوانی خود دریا - فته اند. توهین به زندانی ابعاد وسیعی دارد. یکی از انواع آن این است که چون زندانیان غیر - مسلمان را "نجس" می پندارند، هنگامی که آنها را جسم بسته به جاسی می برند گوشه آستانه بین مرد را با دو انگشت شست و سبابه می گیرند، همچنین سرچوبی را به دست زنان می دهند و سردیگرش را خود می گیرند. شکنجه گران برای خرد کردن نیروهای انقلابی از مواد مخدر هم استفاده می - کنند. معتاد کردن زندانی از طریق تزریق آمپول های "مخصوص" شایعه نیست، واقعیت تلخ و دردناکی است که صدها مورد آن دیده شده است. لازم به یاد آوری است که اغلب این شکنجه ها در مورد زنها و مردها، یکسان اعمال می شود. همچنین باید گفت که در اثر شکنجه و محیط کثیف و غیر بهداشتی سیاه چالها از انواع بیماری های مختلف از قبیل دیسک و کمر درد، درد مفاصل، خونریزی معده، امراض پوستی از قبیل قارچ و گال و بیماری های مسری اشیباع است. زندانیان سیاسی هر ۲۴ ساعت، فقط ۱۵ دقیقه حق هواخوری دارند. اعضا ساده و هزاداران حزب ما و دیگر نیروهای انقلابی هر سه تا پنجاه نفر در یک سلول زندانی می شوند. از هر نوع امکانات بهداشتی بی بهره اند، وضع زندانیان سیاسی که فعال تر بودند از این هم بدتر است. آنها اغلب در سلولهای انفرادی در بدترین وضع ممکن قرار دارند و اگر به زندانیان ساده و هواداران هر ۱۰۰ روز تا یک ماه یکبار اجازه "ملاقات" بدهند، زندانیان "ملاقات" می کنند. این "ملاقات" از آنها در پی می شود. بعضی بندگان به برخی از زندانیان "ملاقات" می دهند تا کتون اجازه ملاقات داشته باشند.

آری در چنین احوالی است که اربابان شکنجه برای انحراف افکار عمومی چنین نمایش - های مسخره ای ترتیب می دهند. هدف دیگر آنها جلب اطمینان اربابان امپریالیستی است و نوعی تضمین، که در ایران "امنیت" و "دمکراسی" مورد نظر آنها حاکم است و از جانب نیروهای انقلابی خطری نیست. بیاید و سرمایه گذاری کنید و از این خون یغما لقمه ای نیز پیش پای ما ببند ازیند...

اما اینها خواب و خیالی بیش نیست. هنیه - ری مردم، خواب خوش آنها را به کابوس تلخی مبدل خواهد کرد. این حکم تاریخ است. در این روند نقش اتحاد نیروهای مترقی و انقلابی که بخش قابل ملاحظه آنها در زندان - ها به سر می برند در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، اهمیت فوق العاده ای دارد و ضامن پیروزی حتمی خواهد بود.

### ماه مثل قاب سرخ

ماه در گردابه های تیره می چرخد

می دود بیگانه در سلول تنگی از شکاف روزنی

چاپک

ماه مثل قلب سرخی باز می گردد

واشباحی

در حصار توبه تو

بیهوده می کوشند

بر هر روز خردی

بنا سازند دیواری

جلال سرفراز

۲۸ فروردین ۶۳

\*\*\*

## وظایف کارگران پیشرو در شرایط مشخص کنونی کشور

ادامه جنگ، بحران اقتصادی، بیکاری و بی خانمانی، گسترش فقر و مسکنت، توسعه فساد و رشوه خواری همراه با تشدید اختناق موجبات نارضایتی عمومی را در کشور فراهم آورده است. در این میان شرایط زندگی میلیونها کارگر ایرانی که بار سنگین جنگ و ورشکستگی اقتصادی را به دوش می کشند، روز به روز وخیم تر می شود. در حالیکه قیمت کالاها اولیه مورد نیاز زحمتکشان سیر صعودی دارد، حداقل دستمزدها طی چهار سال اخیر ثابت مانده و سرانجام ۱۰٪ با استناد به تئوری ناصحیح رایج در جهان سرمایه داری از افزایش دستمزدها به بهانه به اصطلاح عامل اصلی تورم خودداری می کنند.

در چنین شرایطی شکل کارگری و مبارزه متحد، یگانه راه دستیابی به حقوق حقه کارگران است. کارگران ایران از تجربه گذشته می دانند که حق گرفتنی است نه دادنی. به همین سبب آنها در انتظار وعده های سران رژیم که هیچگاه عملی نشده و نخواهد شد وقت گذرانی نمی کنند. علیرغم توطئه های ارگان های سرکوبگر رژیم و فعالیت خرابکارانه آنها، کارگران پیشرو صنعتی در راه بازسازی جنبش سندیکیایی و مطالباتی که یکی از مهمترین وسایل مبارزه است. پیشرو می روند بدین سبب است که این جنبش، یاد ر نظر گرفتن دامنه ترور و خفقان حاکم، هنوز آنچنان که باید فراگیر نیست و بخش قابل ملاحظه ای از کارگران، بویژه کارگران کارگاه های کوچک، کارگران ساختمانی و خدمات از این جنبش کنار مانده اند.

هم تجربه گذشته، یعنی دوران ستشاهی و هم تجربه سال های اخیر نشان می دهد، که هیچ نیرویی نمی تواند در برابر صفوف به هم پیوسته و فشرده طبقه کارگر مقاومت کند. به همین سبب رژیم حاکم کنونی مانند گذشته از تشکیل کارگران در سندیکاها و اتحادیه های کارگری هراس دارد.

جنبش سندیکیایی در میهن ما دارای ریشه عمیق و تاریخ درخشانی است. جنبش سندیکیایی جای خاص و مستقل خود را در مبارزات اقتصادی و سیاسی دارد و در لحظات حساس تاریخی با نهضت رهایی بخش ملی پیوند می یابد. تظاهر این نهضت جنبش سندیکیایی را، ما در جریان انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ به عیان مشاهده کردیم. در آن روزها جنبش کارگری و سندیکیایی که به شکل اعتصابهای پراکنده و بطور عمده در کارگاه های بزرگ با خواست های اقتصادی آغاز شده بود، به سرعت به سراسر کشور سرایت کرد و در اندک زمانی، به اعتصابی فراگیر با مطالبات مشخص تبدیل شد. در سرنویس مدارس بر لحظات جنبش انقلابی، که تظاهرات عظیمی بود دیگر فساد نبود به تنهایی، رژیم نکتت پارسله منتهی پایان دهد طبقه کارگر فهردان ایران اعتصاب های مطالباتی

اقتصادی را به اعتصاب های سراسری سیاسی فرا رساند که نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشت. در کوره این مبارزات آشتی ناپذیر بود که طبقه کارگر آبدیده شد و سطح آگاهی سیاسی گردان های مختلف آن ارتقا یافت. به هیچ وجه تضاد فی نیست که با وجود سیاست ضد سندیکیایی رژیم، بیکار کارگران پیشرو در راه تشکیل زحمتکشان، در سندیکا های صنفی و اتحادیه های کارگری همچنان ادامه دارد.

گسترش نارضایتی زحمتکشان در ژرفا و پهنا که محصول افزایش مقاصد ضد کارگری حکام ارتجاعی است، امکان تشدید مبارزه اعتصابی را فراهم می آورد. رژیم ترور و اختناق اثر بخشی خود را در مقابل مقاومت سرسخت و پیگیر کارگران از دست می دهد. درست است که این مقاومت هنوز فراگیر نیست و نتوانسته همه کارگاه ها و رشته های غیر صنعتی را در بر بگیرد، ولی اعتراضی کارگران که به اشکال کم کاری، خودداری از تن دادن به قبول مقررات ضد کارگری، اعتصاب و غیره تظاهر می کند بیانگر اوج نهضت مطالباتی در جامعه است.

اعتصاب و کم کاری در کارخانه دذانیسات، گروه صنعتی بهشهر، نیروگاه حرارتی اصفهان، کارخانه چیت ری، کارخانه های شهر صنعتی البرز، کارخانه سنتاب، کارخانه ایران الکتریک، کارخانه کیا تایر، کارخانه سیمان آمیک، کارخانه سپهر الکتریک، کارخانه کاناداد رای و غیره، کفد مواردی حتی به روبرویی کارگران با ارگان های سرکوبگر انجامید، نمونه های جالبی از مقاومت روز افزون کارگران در برابر زورگویی سرمایه داران و ارگانهای دولتی حامی آنان است.

در حال حاضر جنبش مطالباتی زحمتکشان به طور کلی بر مبنای خواسته هایی از قبیل تدوین قانون مترقی کار با شرکت نمایندگان زحمتکشان، افزایش سطح دستمزدها، پرداخت حق افزایش تولید و اضافه پاداشها، طبقه بندی مشاغل، تغذیه مساوات کار، تامین شغلی، تامین ایمنی در کارگاه ها و بیمه های اجتماعی جریان دارد.

جالب است که هر خواست مطالباتی در این یا آن بخش از کارخانه بزرگ به سرعت مورد پشتیبانی تمام کارگران کارخانه قرار می گیرد. این پدیده مثبتی است که بی شک گسترش جنبش مطالباتی نقش مهمی ایفا خواهد کرد، ولی کافی نیست. باید کوشید تا خواست های کارگران در کارگاه های متعدد این و یا آن رشته صنعتی هماهنگ و در آن واحد مطرح گردد. برای دستیابی به این هدف مسئله بس مهم سازماندهی به مثابه یکی از وظایف اصلی کارگران پیشرو در دستور روز قرار می گیرد. رژیم برای مقابله با کارگران و نجات اقتصاد در آوردن آنها، از سازمان های مختلف تحت نظارت خود بهره می گیرد. اگر انجمن های

اسلامی کارخانجات و خانه کارگر که در اوار تشکیل در موارد زیادی با شرکت خود کارگران اداره می شدند، نقش کم و بیش مثبتی ایفا می کردند. اینک برخی از آنها به خربه سرکوب و در بهترین حالت به وسیله ای برای فریبکارگران به قصد مانعیت از اوج جنبش مطالباتی و سندیکیایی تغییر ماهیت داده اند. شیوه هایی که این به اصطلاح سازمان های کارگری بکار می برند عبارت است از: تعدیل خواسته های زحمتکشان و تهدید و ارباب، آنها می کوشند با شناسایی کارگران پیشرو و فعال و اخراج آنها از کارخانه ها حتی المقدور مانع مبارزه کارگران شوند.

برای برون رفت از این وضع چه باید کرد؟ چنانکه خاطر نشان ساختیم، کارگران برای احقاقی حق خود هیچ راهی جز تشکل و مبارزه ندارند. بدون تردید سندیکاها و اتحادیه های کارگری که در آنها کارگران بدون در نظر گرفتن عقاید مذهبی و نظرات سیاسی متشکل می شوند، نمی تواند مخفی باشد. ولی کارگران آگاه و پیشرو و فعالی که در صدد سازماندهی هستند می توانند می توانند و باید هسته ها و یا کمیته های کوچک مخفی رهبری با شرکت افراد مبارز، مطمئن و وفادار بوجود آورند. حفظ سریت و کار سنجیده و از قبل برنامه ریزی و حساب شده ضامن موفقیت اینگونه هسته ها و کمیته هاست. وظیفه آنها تلفیق کار مخفی با کار علنی است. باید کارگران را تشویق کرد تا در کلیه سازمان هایی که به نام آنان زیر نظارت دولت تشکیل می شود، شرکت جویند.

شرکت وسیع کارگران در اینگونه سازمان ها امکان آنرا خواهد داد تا به تدریج در ارگان های رهبری آنها راه یافته و با افشاء عمال رژیم آنها را منفرد و کنار بگذارند. کمک به تسریع این روند یکی از وظایف هسته ها و کمیته های مخفی در کارگاه های است. وظیفه دیگر هسته ها و کمیته های مخفی هماهنگ ساختن خواست های مطالباتی اعسم از اقتصادی و سیاسی کارگران در رشته های مشابه صنعتی و خدمات و سازمان دادن اعتصاب های کارگری مشترک آنان است. تشکیل کمیته های همبستگی در کارگاه هایی که اعتصاب نکرده اند، به منظور کمک به اعتصابیون دیگر کارگاه ها یکی از طرز عمده مبارزه در راه تشکل و وحدت عمل کارگران بشمار می رود. کارگران میهن ما، در دوران ستش شاهای مبارزه را از همینجا شروع کردند و به پیروزی بزرگی نیز نایل آمدند. نفس مهم و تاریخ سندها و کمیته های مخفی که در جریان نهضت انقلابی در کارخانه ها به وجود آمده اند، انثار ناپذیر استوار این تجربه باید حد اکثر استفاده را کرد.

یکی از ویژگی های جنبش اعتصابی کنونی هم زمانی آن با اعتراضات عمومی مردم علیه ادامه جنگ، علیه گرانی و تورم بیسابقه، علیه سیاست ترور بقیه در صفحه ۵

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**

### کالبدشکافی يك "مفهوم زیبا"!

چندی پیش روزنامه "کیهان" در صفحه "خواه" بحث خود نوشته بود: "زنی که دو فرزند "هووی" خود را برای انتقام از فاش شدن راز ازدواج مویش خفه کرده بود، سحرگاه امروز در زندان قصر به دار آویخته شد."

طوبی خرد رنجبر - سی ساله و دارای سه فرزند - حدود پنج سال پیش (۱۳۵۸) بر اثر مرگ شوهر در سن ۲۶ سالگی "نان آور" خانوادگی خود را از دست می‌دهد. او که در روستای آنچه حصار از توابع ساوجبلاغ کرج زندگی می‌کرده، مدتی پس از مرگ شوهر، بخاطر سیر کردن شکم خود و فرزندانش برای رخت شویی و آشپزی و دیگر خدمات خانگی، به خانه همسایه‌های رفت و آمد پیدا می‌کند. این همسایه که نامش علی اصغر و دارای همسری بنام محبوبه و دو فرزند به نامهای زهره ۳ساله و حسن ۴ساله بوده، هوس می‌کند طوبی را هم "صیغه" یعنی به ازدواج موقت خود درآورد. بر اثر فشارهای علی اصغر، همسر جوان او محبوبه هم به این امر "رضایت" می‌دهد و حتی تعهد می‌کند که راز ازدواج موقت طوبی را بازگو نکند، چرا که او سرپرستی سه فرزند خود را به عهده دارد و اگر برادران و اقوام شوهر مرحومش از این موضوع باخبر شوند ممکن است فرزندانش را از او بگیرند. در نتیجه طوبی برای مدت یکسال همسر موقت علی اصغر می‌شود. يك زن بی‌پناه که مسئولیت سه فرزند را هم به گردن دارد زیر فشار زندگی در جمهوری اسلامی سرخم می‌کند و تن به نوعی خشکی می‌دهد.

اما پس از مدتی این راز فاش می‌شود و طوبی تمام رازداری "هووی" را عامل افشای آن تلقی می‌کند و کینه او را به دل می‌گیرد. روزیکه تنها بوده و زهره و حسن که اینک دیگر ۳ و ۵ ساله شده بوده‌اند و پس از بازی، از کوجه به خانه باز می‌گردند، هردو راحفه می‌کند. بغیه قضایا روشن است. پس از گذشت تشریفات قانونی، همه‌طور که گفته شد در حضور پدر و مادر کودکان مقتول یعنی علی اصغر و محبوبه که تقاضاهای مترقاضی عسگر را برای عفو محکومه و بی‌سرپرستی گذاشتن فرزندانش رد می‌کنند، طوبی به دار آویخته می‌شود.

آری در حضور علی اصغر، طوبی، همسر موقت او را به دار می‌کشند و اوجنی روی بر نمی‌نزداند که وی را برچوبه دار نیندند. دو کشته، يك حلق آویز، سه فرزند بی‌سرپرست و يك خانواده بدبخت حاصل بقول کیهان "برداشت های غلط از مفاهیم زیبا" شدند.

نویسنده "کیهان" بجای اینکه با صراحت و صداقت این رسم تنگین دوران گذشته، "ازدواج موقت" یا فحشای "شرعی" را باعث این تراژدی

هولناک معرفی کند، مردمانی را که در پایان قرن بیستم، حاضر به کردن نهادن بر رسوم شرم آور حرسراداری و چند همسری و آشتی با خیانت به زندگی خانوادگی نیستند، جاهل و نادان می‌نامد. مدتی کیهان می‌نویسد: "گفتیم که جهالت و فرهنگ ناخردانه عامل این جنایت است. آری، گاه مفاهیم زیبایی هستند که در شرایط خاصی دچار برداشت های زشتی می‌شوند که در جامعه صاحب ارزش منفی می‌گردد. خواننده از خسود می‌پرسد این کدام مفاهیم زیبایی هستند که در ایران دچار برداشت های زشت گردید هانند؟ نویسنده "کیهان" خود توضیح می‌دهد: "متأسفانه برخورد جامعه با مسئله ازدواج موقت و نیز شکل پرداخت اجتماعی آن به میزانی غلط بوده که باعث شده قبح شدیدی در ذهن افراد نسبت به این مسئله بوجود بیاید."

هنگامی کسی به خود اجازه می‌دهد در دوران شکافتن هسته اتم و سفرهای کیهانی، در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، وفادار بودن به تعصبات متقابل خانوادگی و قبیح دانستن فحشای نهان را ناشی از "جهالت و فرهنگ ناخردانه" بنامد، انسان نمی‌تواند حیرت زده نتواند.

نویسنده از خود نمی‌پرسد چه چیز جز زنده شدن رسوم تنگین گذشته در جمهوری اسلامی باعث شده که علی اصغر با وجود داشتن همسر جوان و دو کودک خردسال، هوس "ازدواج موقت" به سرش بزند و برای اطفای شهوت هم تن خویش را زیر فشار بگذارد تا "رضایتش" را جلب کند، هم کودکانش خود را به خطر بیندازد و هم زنی بی‌پناه و محروم دیگری را قربانی امیال حیوانی خود بنماید. نتیجه ناله‌های بی‌سرصدا و چشمان گریان محبوبه همین فاش شدن راز و کشته شدن فرزند دایند او بوده است.

کیهان پیشنهاد نمی‌کند که جامعه باید از خانواده‌هایی که به هر دلیل بی‌سرپرست می‌مانند حمایت کند تا زنان بی‌پناه، زیر فشارهای طاقت فرسای زندگی دچار فحشای نهان و آشکار نشوند. اینکار ظاهراً "شرعی" و "گمبستی" به شمار می‌آید. ولی با نگرانی می‌نویسد:

"همیشه اصرار بر غیر قانونی کردن این مسایل (یعنی ازدواج موقت) کار را به آنجا می‌کشاند که کنترل آینده آن از حد قدرت بشری خارج می‌شود (!) ... بهتر آنست که ضوابط و معیارهای اخلاقی ازدواج موقت روشن گردد تا از بروز فجایعی این چنین جلوگیری شود."

بدیگر سخن باید محیطی ایجاد کرد که در آن دست مردان هرزه و عاشر بو بودار برای فسق نشان دادن "شرعی" شهوت باز باشد و این بارها ما نغمه در صفحه ۱

### در برابر "عمل انجام شده"

#### چه باید کرد؟

احکام تخلیه قریب چهارصد مدرسه استیجاری در تهران و شهرستان‌ها صادر شده و مالکین با حمایت قوای قضایی و اجرایی کشور "ملك" خود را پس می‌گیرند.

معاون حقوقی آموزش و پرورش می‌گوید: "در استان تهران تنها ۳۵ مورد حکم تخلیه انتهایم که از این تعداد ۵ مورد آن به مرحله اجرا در آمده است. در سایر استان‌ها این رقم‌ها ناگن حداقل ۱۴ یا ۱۵ مورد در هر استان می‌باشند. بدینسان صاحبان صاحبان، سرمایه مستقیم به رخت گروه بزرگی از دانش‌آموزان کشور هم‌خورد. مسئول انجمن اولیا و مربیان دبستان ۱۲ بهمن هنگام تخلیه این مدرسه به خبرنگار اطلاعات می‌گوید: "این ساختمان در کل برای محیط آموزشی طرح ریزی و ساخته شده است و مدت بیست سال قدمت آموزشی دارد و اکنون مالک با استدلال پرايئنگ نیاز شخصی به ساختمان دارد نسبت به حکم تخلیه و اجرای حکم اقدام کرده است" او به حق می‌پرسد: "چگونه با توجه به وضعیت فعلی مملکت به اینگونه افراد اجازه تخلیه محیط‌های آموزشی داده می‌شود؟"

مسئول دبستان ۲۲ بهمن با تعجب می‌گوید: "این امر (تخلیه مدارس) بدون اطلاع قبلی صورت گرفته است و ما در واقع در برابر يك عمل انجام شده، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشیم قرار گرفته ایم."

وی درباره سرنوشت ۴۰۰ دانش‌آموز بلا تکلیف مدرسه تحت مسئولیت خود، با تأسف می‌گوید: "آموزش و پرورش منطقه چنین محلی را فعلاً در اختیار ندارد". یعنی این که تکلیف روشن است. لابد پدر و مادرها باید شروع کنند به دوندگی و این در و آن در زدن تا شاید در مدل دوری، اگر شانس با آن‌ها و فرزندانشان یار باشد بچه‌هایشان را ثبت‌نام کنند. آن وقت يك کلاس و هفتاد هشتاد دانش‌آموز.

خبرنگار از "مالك" مدرسه می‌پرسد: "بسیار توجه به آموزشی بودن محل ساختمان چه ضرورتی در تخلیه آن می‌بینید؟" مالك محترمانه پاسخ می‌دهد: "اینجا ملك شخصی من است و من به آن نیاز دارم."

صحبت از بلاتکلیفی هزاران دانش‌آموز در سطح کشور است که علاوه بر همه مسائل بیستنی برای یافتن جایی در فکر چاره‌جویی باشند.

بالاخره چه باید کرد؟ تنها کاری که از مسئولین آموزش و پرورش بر می‌آید، اسناد از مالکین است. معاون حقوقی آموزش و پرورش به مالکین التماس می‌کند که "آقایان تقاضا دارم دانش‌آموزان را که در مدارس استیجاری آموزش و پرورش مشغول تحصیل هستند فرزندان خود بدانند."

آری چنین است، تنها یکی از هزاران فجایعی که این روزها در پناه "قانون" انجام می‌شود.

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

## آیا سازش با آمریکا، سیاست رسمی جمهوری اسلامی است؟

آن به شکنجه گاهها آشکارا نشان دادند که خط همان خط نریش و سپس سازش با امپریالیسم است با همان محتوی و همان هدف.

با توجه به این واقعیت انکارناپذیر است که در قطعنامه پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده امپریالیسم را بر سر می کشد. "چرخش هیسترت حاکمه براساس در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیای نظام منحط سرمایه داری وابسته تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیای مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و هسانسی و همسوی هرچه بیشتر با دول امپریالیستی - نظاهر می کند، جامعه ما را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است".

### وظایف کارگران پیشرو...

بقیه از صفحه ۳

و احتیاط رژیم است و بنابراین در پیوندناگسستی با مبارزه توده های محروم جامعه است. تشدید نارضایتی مردم، حکام ارتجاعی را هر چه بیشتر در جامعه منفرد می سازد. نباید از نظر دور داشت که بازسازی سلطه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان خواه ناخواه توده های محروم را از حامیان رژیم به مخالفین آن تبدیل می کند و بدینسان شرایط مساعدی برای گسترش مبارزه اعتراضی فراهم می آورد، که بدون تردید از جانب اکثریت قاطع مردم ستندیده ما و همه نیروهای انقلابی مذهبی و غیر مذهبی حمایت و پشتیبانی خواهد شد. این آن نکته گرهي است که باید هدیه ها و تمهیدهای مخفی در اذهان فرد فرد کارگران رسوخ دهند؛ باید پیام های مخرب جنگ را که بطور عمده دامنگیر توده های میلیونی زحمتکشان است به کارگران توضیح داد. باید نشان داد که هدف حکام ارتجاعی از ادامه جنگ فرسایشی جز خردن به امپریالیسم و معال. داخلی آن نیست و نتیجه قهری آن زحمتکشی می بینیم چیزی جز بازسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم و معال. داخلی آنها در سیمای سرمایه داری وابسته نبوده و نیست.

سازمان دادن مبارزه کارگران در راه آزادی های دموکراتیک و از جمله آزادی تشکیل سندیکاهای و اتحادیه های کارگری مستقل، آزادی احزاب، اجتماعات، بیان، قلم و عقده در سرفعالیت دسته ها و کشته های مخفی فرار دارد.

همه این مسائل را می توان با بخش تراکت ما و مقابله ها مخفی و انقلابی و از جمله "نامه مردم" ارتاز. مرکز، حزب تبلیغ کارگران ایران، و با ندرت مقالات آن و دیگر طرز ابکاری به همان کارگران برد. باید برای اتحادی هر حقی، هر قدر بیشتر کوچک توانا بود. هر پیرویی در هر کارگاهی هر قدر کوچک هم باشد، انعام به دیگر کارگران در مبارزه خواهد بود.

غریب، اسرائیل، برزیل و غیره برای تکنیک نظامی آمریکایی ارتش ایران، قطعات یدکی و دیگسرتجهیزات نظامی خریداری کنند. واشنگتن حتی بر خرید پنهانی تکنیک نظامی و قطعات یدکی ایران از بازارهای ایالات متحده آمریکا چشم فروست.

۱۷ اوت ۱۹۸۴ روزنامه "دیلی تلگراف" نوشت که وزارت امور خارجه آمریکا فروش تجهیزات نظامی را به ایران تأیید کرده. مجله آمریکایی "تایم" (۶ اوت ۱۹۸۴) در ارتباط با مسافرت گنشر به ایران خادرنشان ساخت که به نظر مقامات آلمان غربی سران ج ۱۰ آمادگی کمتری در پرتاب دشنامهای لفظی به سوی غرب، از خود نشان می دادند.

روزنامه انگلیسی "گاردین" (۲۶ ژوئن ۸۴) از قول یک کارشناس امور نفت می نویسد: "ما فکر می کردیم با آتش گرفتن چند نفتکش، کشتیرانی متوقف خواهد شد، ولی ۰۰۰ سرمایه داری بین المللی به کمک و نجات جمهوری اسلامی شتافت".

آیا همه این فاکت ها نشانگر آن نیست که "حق" با دشمن بوده و امپریالیسم آمریکا بی جهت در انتظار لبخند سازشکارانه سران ج ۱۰ نبوده است؟

اما در سیاست داخلی رژیم برای جلب "عطوفت" امپریالیسم آمریکا از لبخند سازشکارانه نیز پا را فراتر نهاد. وقتی انقلاب به مرحله ای رسید که تحول بنیادی در زمینه تصویب قانون مترقی کار با در نظر داشتن منافع طبقه کارگر، دولتی کردن بازرگانی خارجی، مهار تورم و گرانی تحدید مالکیت خصوصی بر پایه اولویت بخش دولتی، ایجاد اشتغال، اصلاحات ارضی بنیادی پایان دادن به سیطره کلان سرمایه داران، تأمین آزادیهای دموکراتیک، تفکیک دوستان خار - جی از دشمنان و پیوستن به جبهه ضد امپریالیسم جهانی در دستور روز جامعه قرار گرفت، طرفداران سازش با امپریالیسم و دشمنان تداوم انقلاب به جنب و جوش افتادند. سازش با هرکس و هر گروه و هر نیرویی که طرفدار لبخند زدن به آمریکا بود و مقابله با هرکس و هر گروه و هر نیرویی که مخالف سازش با امپریالیسم بود به سیاست مستمر دولت تبدیل شد. چنین سیاستی ایجاب می کرد تا ضربه اصلی متوجه نیروهای سازشناپذیر با امپریالیسم و حامیان زحمتکشان گردد. به همین سبب، نیروهای هوادار نریش و سپس سازش با امپریالیسم آمریکا، هرافدای که به سود زحمتکشان بود "کمونیستی" و تلفن شده از جانب توده ها آنها نامندند. آنها شب و روز با خشم و کینه به حزب توده، ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای راستین انقلابی - ناخشنود و هرکس را که مخالف سازش با امپریالیسم بود، تحت تأثیر توده ها به معرکی کردند.

بالاخره سران ج ۱۰ با یورش گسترده به حزب توده، ایران و روانه ساختن هزاران تن اراعی

در اوایل دی ماه ۱۳۶۰ خامنه ای، رییس جمهور در سمینار "نهاد های انقلابی" از جمله گفت: "آمریکایی ها در مورد انقلاب اسلامی فکر می کردند می توانند آن را به سازش با خود بکشند. البته تصور ما این نبود که ممکن است روزی انقلاب لبخند سازشکارانه ای به آمریکا بزند ولی از نظر دشمن چنین نبود".

آقای خامنه ای این سخنان را در ارتباط با نیات دولت موقت ایراد کرد. او، دولت موقت را متهم ساخت که سیاست نریش با امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا را پیش گرفته بود و افزود: "این حالت همان حالت نریش است و نریش مقدمه سازش است" (کیهان ۹۶ دی ماه ۶۰).

معنا و مفهوم اظهارات رییس جمهوری در آن روزها این می توانست باشد که پس از سقوط دولت موقت، سیاست نریش به مثابه مقدمه سازش با امپریالیسم آمریکا نیز خاتمه یافته است. از آنجا که دو سال و هشت ماه می گذرد در این فاصله زمانی، عملکرد سران ج ۱۰ مؤید آنست که بنا خارج شدن قوه اجرایی کشور از چنگ دولت موقت نه تنها تغییری در سیاست نریش مقدمه سازش به وجود نیامد، بلکه نریش با امپریالیسم به سازش فطعی با آن گرایش پیدا کرد.

آقای خامنه ای می گوید که وی تصور نمی کرد، که سران ج ۱۰ روزی لبخند سازشکارانه ای به آمریکا بزنند، ولی در نظر دشمن چنین نبود. اینک پس از گذشت زمان همه می بینند که "حق" با دشمن بود. به اظهارات خود رییس جمهوری در دیدار با هانس دیتریش گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال استناد می کنیم، او، خطاب به گنشر اظهار داشت: "با تاسف باید بگویم که قدرتهای بزرگ جهانی و پیش از همه آمریکا در رابطه با ما

۰۰۰ دچار اشتباهات تاریخی شده اند، اشتباهاتی که شاید به آسانی قابل جبران نباشد. البته باید به عنوان قدر شناسی یادآوری کنم که دولت آلمان فدرال در جبهه گیری غربی ها در طول این زمان علیه ما آزمايش بهتری داده است. ۰۰۰ (جمهوری اسلامی، اول مرداد ۶۳).

اظهارات تاسف رییس جمهوری در مورد روابط با آمریکا و دیگر قدرت های بزرگ غرب و "قدر شناسی" از آلمان فدرال متحد امپریالیسم آمریکا در پیمان نیاجورکار "نانو" در عرف دیپلماتی چیزی جز به معنای حالت نریش به قصد سازش نیست. در پی لبخند سازشکارانه سران ج ۱۰ بود که در گرد هم آبی سران دولت های هفت کشور غربی در "ولندامزورگ" (در سال ۱۹۸۳) برگزار، رییس جمهور آمریکا، بر تصویب قرار وژه ای به حساب امدادی مناسبات اقتصادی غرب با ایران با فشاری نزدیک بر ایران بر احیای همان "مناسباتی" پس از فداوری داشت که به موفقیتهای ابتکار واشنگتن، رشته های آن از هم گسسته شده بود. اجرای این فرار سبب افزایش صادرات نفت به کشورهای رشد یافته غرب گردید و میزان ج ۱۰ توانستند از اروپا

## حزب توده ایران از میان خلق برخاسته ...

بقیه از صفحه ۱

تهدیدستان را داده اند؟ چه عواملی سبب شده که رژیم در کلیه زمینه های احیاء نظام منحسوط سرمایه داری وابسته و بازسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم سرانجامی نی شناسد و چنانچه سرانجام ۱۰ همدوش ریگان به آتش افروزان جنگ در منطقه تخییر سیما داده اند؟

حزب توده ایران به مثابه حزب طبقه کارگر ایران این خواست های مشروع توده های زحمتکش را مطرح می کند. مسئله تشکل به معنای جلب نظر توده ها و سازمان دادن آنها و نیز تحکیم پایه های ج ۱۰ با خط مشی حزب حاکم در ارتباط است و در صورتی که برنامه آن در جهت حفظ منافع توده های محروم باشد، هیچ انتقادی نمی تواند کوچکترین لطمه ای به تشکل حزب وارد آورد. بنابراین علت ناکامی حزب جمهوری اسلامی را باید در مضمون و محتوی برنامه عمل آن که کلا در خدمت صاحبان ثروت است، پیکاری کرد.

دبیر کل حزب جمهوری اسلامی می گوید: "امروز مخالفت با حزب مخالفت با حزب است امروز کسی که با حزب جمهوری اسلامی مخالفت می کند با اصل تشکل مخالفت می کند و این حدود خطر بزرگی محسوب می شود و ما وظیفه خود می دانیم که در برابر این دسیسه ها مقاومت کنیم" (همانجا).

با تهدید و ارعابی که در لابلای این سطور نهفته است نمی توان برای حزبی که طبل رسوایی بر سر هر کوی و برزن به صدا در آمده و جبهه مصنوعی ایجاد کرد. کما اینکه با زدن انواع برجسب ها نیز نمی توان حزب توده ایران را از صحنه اجتماعی - سیاسی کشور کنار گذاشت. حزب ما به اعتراف خود آقای دبیر کل، مشکل ترین و پر سابقه ترین حزب سیاسی در تاریخ معاصر کشور است و در طول ۴۳ سال حیات خود نقش برجسته ای در ایران و سراسر منطقه ایفا کرده است. حزب توده ایران آن سازمان سیاسی است که بزرگترین آسیب ها را از رژیم جابر و فاسد شاه سابق متحمل شده و ده ها هزار تن از اعضای آن تیرباران، زندانی و یا به علت وجود احکام جابرانه دادگاه های نظامی و تعقیب کین جویانه ساواک ناگزیر به جلای وطن شدند. همه این مصائب را حزب ما به سبب اعتقاد راسخ خود به استقلال

## کالبدشکافی يك ...

بقیه از صفحه ۴

قیبح محسوب نشود. چیز عجیبی است! از یکسو مردان و زنان معصومی را که عاشق یکدیگر شده اند به عنوان داشتن روابط "نامشروع" شناسار می کنند و از سوی دیگر فحش های "شرعی" یعنی اجاره موقت زنان بی پناه را در مقابل نان بخور و نمیر تبلیغ می نمایند.

"ضوابط و معیارهای اخلاقی" از دواج موقت - الهیان درازی است که روشن شده و از همین روست که زنان و مردان ایرانی آنرا کاری غیر اخلاقی

واقعی سیاسی و اقتصادی میهن و دموکراسی و حقوق توده های زحمتکش جامعه متحمل شد. ما برای سرنگونی رژیم استبدادی و دست نشانده شاه معدوم سالیان دراز مبارزه کردیم. ما نظرات و پیشنهادهای خود را در باره ایجاد تحولات بنیادی در جامعه ایران به شکل مشخص ارائه دادیم. در جریان انقلاب به من ۵۷ مردم ایران، اعضاء حزب ما دشادش دیگر صفوف خلق مبارزه کردند و حتی از ایثار جان خود در سبب نوزیدند. ما مستمرا همه نیروهای انقلابی، ملی و دموکراتیک را به وحدت و احترام از تفرقه برای به ثمر رساندن آماج های مردمی انقلاب فراخواندیم و بارها و بارها اعلام داشتیم حاضریم همدوش دیگر حامیان تداوم انقلاب در ایجاد ایرانی آزادآباد و مستقل سهم حوشر را به شکل خلاق و سازنده ادا کنیم. این سیاست حزب ما ناشی از ماهیت خلقی آن است و اعتقادش به ضرورت وحدت صفوف مردم در مقابل دشمنان انقلاب، یک سیاست گذرا نیست و امروز هم مانند دیروز الهام بخش مبارزه ما است.

ولی نتیجه چه بود؟ تهمت زنی به حزب ما پدیده جدیدی نیست. دشمنان رنگارنگ حزب ما از آغاز فعالیتش چه برجسب ها که به ما نزده اند. ولی حزب ما در عمل، عشق خود را به استقلال و تعامیت ارضی و حاکمیت میهن، باور بی حیل خود را به حقوق حقه زحمتکشان نشان داد و علیرغم ضربات شدیدی که به ما وارد شده، در آینده نیز سیاست و عمل حزب تنها و تنها بر این مبنا استوار خواهد بود.

تاریخ معاصر ایران نشان داده است که سرکوب حزب توده ایران، بستن راه فعالیت قانونی آن همیشه زمینه ای برای سرکوب آزادی و دموکراسی قرار گرفته است. تصویریک جامعه دموکراتیک و انقلابی در میهن ما، بدون حزب پر سنت و مهربان طبقه کارگر ایران، یعنی حزب توده ایران که طی زندگی پر فراز و نشیب خود آبدیده شده و با تمام نیرو به توده های محروم و میهن خدمت کرده و می کند، ممکن نیست. احزاب حاکمی همانند حزب جمهوری اسلامی می آیند و می روند. آنچه در این میان به زندگی خود ادامه می دهد و خواهد داد، حزب توده ایران و سازمان هایی هستند که از میان خلق برخاسته اند و در خدمت خلق اند.

وزشت و شرم آور تلقی می کنند. مردان مترقی و زحمتکش که از سلامت اخلاقی برخوردارند و از کار شرافتمندانه و مفید نان به کف می آورند نیازی به خریدن کتیز، حرمسرا در دست کردن و چند همسری و ازدواج موقت ندارند. تنها مردان، روزه های که در تمام عمر خود کار مفید انجام نمی دهند و به صورت طفلی و مفت خور از قبل زحمت دیگران زمستانه می توانستند تا این حد اسیر خوی حیوانی خود باشند که پای بندی به کانون خانوادگی و تعهد اخلاقی متقابل میان زن و شوهر را "جهالت و آهنگ نابخردانه" بنامند و از ازدواج موقت به عنوان "مفهوم زیبا" یاد کنند.

## انفجار بمب در میدان ...

بقیه از صفحه ۱

دست خود را به این عمل ضد انسانی آلوده کرده است؟ بمب گذار چه هدفی را دنبال می کرده است؟

نخست باید یادآور شد که به باور ما و به گواهی تاریخ چون روز روشن است که نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست هرگز برای رسیدن به اهداف انسانی خود از شیوه های ضد انسانی و تروریستی همانند بمب گذاری که پیامدی جز کشتار جمعی مردم بی گناه و زحمتکش ندارد، بهره گیری نکرده اند و نمی کنند. در اوضاع و احوال بحران زده جامعه ما، حادثه آفرینی های خونبار و پر بازتابی از این دست آن هم با زمینه چینی های قبلی برای بهره برداری های گوناگون تنها در دست کارگزاران ارتجاع و امپریالیسم برمی آید، انسان رایب اختیار به یاد آتش سوزی سینما رکس آبادان در روزهای واپسین حکومت شاه می اندازد.

چنین کاری از دست آن عناصر و نیروهایی بر می آید که در درون حاکمیت جمهوری اسلامی جا خوش کرده اند و سرخ سازمان های اطلاعاتی کشور و امکانات بی حساب و کتاب ملت را در دست دارند و می توانند با استفاده از نفوذ و امکانات این گونه اعمال تروریستی "موفقیت آمیز" را سازمان بدهند.

این شکل بمب گذاری، که ماهیت آن در دوران شاه برای مردم روشن شد، اکنون در شرایطی صورت می گیرد که بحرانی ژرف سراپای ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را فرا گرفته است، حکومت ترور و خفقان وسیعی بر جامعه فرمان می راند، در درون حاکمیت اختلافات ژرفی بین جناح های گوناگون پیدا شده، دولت خد متگزار انحصارات امپریالیستی، کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران با انبوهی از مشکلات روبرو است، و موج ناخشنودی و اعتراض مردم از بیدادگری ها و آزادی کسی های اجتماعی هر روز بیشتر از پیش راج می گیرد.

در چنین شرایطی، برای انحراف افکار عمومی جامعه، بهره زحمتکشان از مسایل حاد اقتصادی - اجتماعی، سرپوش نهادن بر عدم لیاقت و کاردانی رژیم و درگیری های رشد یابنده درون حاکمیت، انحراف نظر مردم از ادامه جنگ خانمانسوز و بی معنا با اهداف توسعه طلبانه و ماجراجویانه، و تشدید سرکوب نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و آزادخوانه، خواه از بیسن مسلمانان مبارز یا دگر اندیش، و گسترش بازهم بیشتر نهاد های سرکوبگر و برحق جلوه دادن زندگی اشرافی سردمداران واپسگرای جمهوری اسلامی این انفجار صورت گرفته است و جان شماری از مردم محروم و زحمتکش نیز در واقع بلاگردان محاسن ارتجاعی و امپریالیستی شده است.

ولی سازمان دهندگان این جنایت مرکب را باید بدانند که دیگر این حره های کهنه یگانه آید و مردم آگاه و هشیار ایران دست آنها را خوانده اند.

\*\*\*

# "انقلاب فرهنگی" در خارج از کشور

طبق آماري که اخيرا وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتشر کرده، در سال ۱۳۶۰، هفت هزار دانشجویه خارج رفته‌اند. البته در زیر همین آمار توضیح داده شده که حدود بیست هزار نفر نیز به نام محصل و دانشجوی در خارج از کشور زندگی می کنند، ولی با توجه به مقررات دانشجوی شناخته نمی شوند.

بر اساس آمار رسمی (یعنی همان هفته‌نامه‌ها) ۴۶ درصد در آمریکا، ۱۵ درصد در انگلستان، ۹ درصد در آلمان فدرال، ۷ درصد در فرانسه، ۶ درصد در هندوستان، ۵ درصد در ایتالیا، ۳ درصد در ترکیه، و بقیه یعنی ۹ درصد در کشورهای دیگر به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

در این آمار چند نکته جالب توجه وجود دارد:

اول اینکه در دوران پس از انقلاب، یعنی سال ۱۳۶۰، ۴۶ درصد از دانشجویان اعزامی به خارج از کشور، با تصویب دولت راهی آمریکا می شوند. یعنی همان کشوری که ۱۰ مرتبه علیه آن یقه می داند. اگر آمار دو سال اخیر نیز در نظر گرفته شود، خواهید دید که این رقم ترقی کرده است.

دوم اینکه از هندوستان گذشته ۸۵ درصد دانشجویان ایرانی با تصویب رهبران "ضد امپریالیست"، در کشورهای امپریالیستی تحصیل می کنند و مسلماً این آمار با توجه به سخنان اخیر رهبران چ ۱۰ با "کنش" در مورد "تربیت دانشجویان ایرانی" در آلمان فدرال، از این پس سیر صعودی خواهد داشت. در حالیکه برای نمونه، در این سیاهه، نامی از یک کشور سوسیالیستی برده نشده است. این آمار نشان می دهد که در این عرصه نیز سیاست چ ۱۰ - علی - رغم همه بوق و کرناها، نه شرقی، فقط غربی است.

سوم این که، در این آمار از طاعت دانشجوی شناختن شدن آن ۲۰ هزار نفر دیگر صحبتی نشده است. می توان گفت که بخش اعظم این قبیل دانشجویان، اگر با گروههای مترقی انقلابی در ارتباط نباشند، لاقلاً با سیاستهای ضد مردمی چ ۱۰ موافق نیستند. چ ۱۰ که تا بحال تحمل انتقاد را ندارد، با بستن راه ارز از این دانشجویان انتقام می گیرد، و این اداه همان سیاست "انقلاب فرهنگی" در خارج از کشور است.

چهارم این که، اغلب کسانی که خارج اعزام می شوند که نسل اندر نسل و پشت اندر پشت مورد تأیید مفتشین عقاید رج ۱۰ بوده و بی توانسته باشند، به نحوی رضایت آنها را جلب کنند.

# خبرنگاران "مردم" در میان مردم

## دزگیری در کارخانه "کانادادرای"

کارگران کارخانه "کانادادرای" که از دریافت سود ویژه محروم شده‌اند و مانند همه زندگانشان نشود در تأمین معاش خود مانده‌اند، از مدت‌ها پیش به اشکال گوناگون به مسئولین کارخانه مراجعه می کردند و درخواست پرداخت "سود ویژه" می نمودند. اعتراضهای آنها نتیجه بخشید و سرانجام کار به زد و خورد کشید. روز سه شنبه دوم مرداد ماه، کارگران که تعداد آنها به چهار هزار نفر می رسیده به مسئولین کارخانه حمله کردند. سپاه و کمیته با اسلحه و گاز اشک آور داخل شدند و به پشتیبانی از مسئولین، با کارگران زد و خورد پرداختند و تعداد زیادی از کارگران را دستگیر کردند. خانواده اغلب کارگران دستگیر شده، از تأمین معاش خود عاجزند.

## زد و خورد جناحها در سبزوار

اختلافات در سبزوار به جاهای با ریک کشیده است. گفته می شود که اخیراً ماورین ژاندارمری سبزوار ۴ نفر از اعضای سپاه را در حین عیاشی در یکی از کلاته های نزدیک شهر دستگیر می کنند و پس از چند روز تحویل سپاه می دهند. چند روز بعد شخصی بنام عباس فرهادی، از زمین داران سبزوار و از جفاکشان شاهنشاهی و از طرفداران کنونی "انجمن حجتیه"، که هندسوز ست و سخت بر سر عقاید و مواضع خود باقی است همراه با رئیس ژاندارمری و رئیس پلیس راه پای بساط تریاک بودند، که افراد کمیته سر رسیدند و پس از کتک کاری آنها را دستگیر و زندانی کردند. پس از چند روز روسای ژاندارمری و پلیس راه آزاد شدند، اما دزگیرها همچنان اداه دارد.

## دست چپ آمریکا

از اوایل خرداد در تهران و شهرستانها هند وانه فراوان بود. اما در عرض یک هفته بکلی نایاب شد. کمیته های "امداد" در میدان های دولتی آن را به صورت جیربندی می فروختند و حتی قیمت آن به کیلویی ۳۰ تومان هم رسید. معلوم شد که "برادران پاسدار" به علت این که کشاورزان در بعضی مناطق جنوب کشور به جای گندم، هند وانه و خیار کاشته‌اند، "خروج" سیفی - جات" را از این مناطق ممنوع کرده‌اند.

در دزفول هم تعدادی از جالبیها را به اصطلاح "برادران پاسدار" با بولد وز کوبیدند. مردم دزفول می گویند دولت بجای اینکه فکر اساسی برای کشت گندم بکند، جالبیهای "سیفی" را می کوبد. همچنین می گویند اگر دست راست آمریکا، یعنی صدام، با موشک خانه‌ها و مزارع را ویران می کند و مردم را می کشد، دست چپ آمریکا هم با بولد وز به جان جالبیها می افتد.

## دختران دانشجوی زیر علامت سؤال

ستم مضاعف بر زنان را تاکنون در هیچ کجای جامعه به اندازه دانشگاه لمس کرده بودیم. اینجا زنان حق حرف زدن، اظهار نظر و اعتراض ندارند. در کلاس ۱۰۰ نفری دخترها را در نیمکتهای عقب جا داده‌اند. با توجه به اینکه قد دخترها کوتاه تر از پسرهاست، هر چه سروکله زدیم نتوانستیم دور ردیف از نیمکتهای جلو را برای دخترانی که تخته سیاه را نمی توانند از انتهای کلاس ببینند، اختصاص بدیم. "جهاد دانشکا - هی" با این کار مخالف است و روی حرف او نمی شود حرفی زد. چه باک از اینکه دخترها کور شوند و تخته سیاه را نبینند. باید "شعاع سر اسلامی" رعایت شود.

در دانشگاه استادان جرات ندارند نظر دختران دانشجوی را بپرسند. آنها از "برادران انجمن اسلامی" می ترسند. سؤال و جواب دانشجویان دختر در کلاس موجب خند و استهزا اشخاص می شود که معلوم نیست از کجا آورده‌اند و سر کلاس نشانده‌اند. اگر دختری سر کلاس بخندد، روسری اش کمی عقب برود، اگر با پسری حرف بزند، خلعه هر کاری کند که با سلیقه "آقایان" جور در نیاید، زیر علامت سؤال قرار می گیرد. دختران بایستی حتماً در برناه های به اصطلاح "فرهنگی" شرکت کنند و نیز در کلاس "معارف اسلامی" از پرسیدن پرهیز کنند و هر چه به خوردشان دادند، دم نزنند. از دانشجویان دختر حق دفاع و اعتراض سلب شده است. این مسئله مربوط به سیاست طرد زنان از صحنه فعالیت های اجتماعی است که آرام آرام دارد اجرا می شود.

## پرتوقع و بیسواد!

دانشکده بیسه با چند دانشکده دیگر به شکل مجتمع دانشگاهی در آمده‌اند (سال تحصیلی ۶۳-۶۲). در سها مشکلند و حجم آنها زیاد است. دو نوع اقتصاد تدبیر می شود: "اقتصاد سرمایه داری" و "اقتصاد اسلامی". از در سهای اقتصاد ای باید گزارش اسلامی (!) تهیه کرد. حضور و غیاب مرتب است اما محتوای کلاسها بسیار پایین است. استادها بشدت پرتوقع و بی سوادند. دانشجویان از دست آنها به تنگ آمده‌اند. برخی از این استادان نماینده مجلس هستند، از جمله استاد عربی رشته اقتصاد. در تمام مجتمع فقط یک نفر دزج دکتر دارد، او را هم از جالی دیگر آورده‌اند.

# به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

## برای آزادی "لئونارد پیل تیر" مبارز آمریکایی



این روزها، در سراسر جهان، همه نیروهای آزاد یخواه، مترقی و انساندوست بانگ خود را به خاطر نجات جان "لئونارد پیل تیر" یکی از رهبران "نهضت سرخپوستان آمریکا"، رساتر میکنند. لبه تیز این اعتراضات متوجه محکوم کردن پایمال سازی حقوق بشر در آمریکا و از جمله سیاست تبهکارانه تبعیض نژادی و سرکوب جنبشهای حق-طلبانه سرخپوستان و سیاهپوستان و دیگر اقلیت-های قومی و نژادی در ایالات متحده آمریکا است. از آن هنگام که لئونارد پیل تیر قربانی توطئه ساخته و پرداخته پلیس آمریکا گردید، نزدیک به هشت سال سپری شده است. دادگاه او را به اتهام ساختگی "قتل" به دیوار "حبس ابد" محکوم کرده است. پرونده "پیل تیر" نمونه گویا و رسوایی از سیاست رسمی سرکوب مبارزان راه حقوق اجتماعی در ایالات متحده آمریکا، و در همان حال نمایانگر سیاست نژاد کشی حکومت آمریکا نسبت به ساکنان بومی کشور است. اخیراً "جیم مسراشمیت" پروفسور جامعه شناس و حقوقدان جنایی، کتابی افشاگرانه درباره پلیس آمریکا بنام "محاکمه لئونارد پیل تیر" نگاشته است.

در مقدمه این کتاب می خوانیم:  
"دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت لئونارد پیل تیر را بعنوان یک "انسان خطرناک" سر به نیست کند. ظاهراً "خطرناک" بخاطر اینک که گویا دستش به خون جنایتی آلوده شده است، و در واقع بخاطر اینکه او سنگ بیان حقایق و افشاگری را بنا گذاشت و مردم به سخنان او گوش فرا می دادند، از اینرو چنین شخصی باید سر به نیست می گردید. ولی پیل تیر نه تنها یک زندانی سیاسی، بلکه یک اسیر جنگی بشمار می آید. اسیر جنگی آن جبهه های که ایالات متحده آمریکا از نخستین روز موجودیت خود تا به امروز در آن بر علیه آزاد بخوانان، سیاهپوستان و سرخپوستان و دیگر اقلیتها نژادی و قومی سرگرم جنگیدن است. این جنگ، یک جنگ تمام عیار است. شکست انگیز نیست که زمانی هینتر اعتراف کرد که اندیشه آئین خود درباره "فضای حیاتی" و دیگر نظریه های نازیم را از الگوی آمریکایی "حل مسئله سرخپوستان" آموخته است."

## رویدادهای جهان

### در وزارت دفاع اتحاد شوروی

پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی در راستای امتناع از ساختن جنگ افزارهای ویرانگر تازه و نابود کردن تدریجی ذخائر موجود آنها، پیوسته از سوی ایالات متحده آمریکا رد می شود. هم اکنون در آمریکا، با آهنگی شب آلود مشغول ساختن انواع موشکهای بالدار و ورود و میان برد با پایگاههای زمینی، دریایی و هوایی هستند و حتی برخی از آنها را در کشورهای اروپای غربی مستقر کرده اند. در چنین شرایطی برای اتحاد شوروی جز واکنش طبیعی برای حفظ امنیت خود و متحدانش راه دیگری وجود ندارد.

اخیراً وزارت دفاع اتحاد شوروی اعلام کرد، که اینروزها آزمایش موشکهای بالدار در وربرد خود را با موفقیت انجام می دهد. اتحاد شوروی همچنین اعلام کرد که هر لحظه آماده است بر پایه اصل برابری نیرو و امنیت یکسان، در گفتگو برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی شرکت کند ولی نمی تواند اجازه بدهد تعادل نظامی موجود میان کشورهای عضو پیمان ورشو و پیمان آتلانتیک شمالی بطور یکجانبه خدشه دار گردد.

### افغانستان دروغ های پاکستان را تکذیب میکند

وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در یادداشتی که برای وزارت امور خارجه پاکستان فرستاده، از جمله می نویسد:  
"اخیراً مقامات حکومتی در اسلام آباد و بد نبال آنان رسانه های گروهی کشورهای امپریالیستی موج تازه ای از تبلیغات مغرضانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را آغاز کرده اند که گویا هواپیماهای ارتش افغانستان به حریم هوایی پاکستان تجاوز کرده اند."

ارگانهای مسئول جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می کنند، که هیچگونه تجاوز هوایی یا زمینی از خاک افغانستان به پاکستان وجود نداشته است. این دروغ ناب را مقامات پاکستانی از آن جهت ابداع کرده اند تا در روزهای شروع گفتگوهای ژنو و سی ونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بکمک رهبران آمریکا و چین جنجال سیاسی و تبلیغاتی علیه کشور ما براه بیندازند و نظر محافل اجتماعی در پاکستان و سراسر جهان را از واقعیات موجود منحرف نمایند."

هم وطنان گرامی!

نامه مردم را بخوانید  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
و به پخش آن یاری رسانید!

### پیگرد بخاطر دگراندیشی

دادگاه نظامی آنکارا محاکمه ۵۶ تن از رجال برجسته هنری و فرهنگی ترکیه را علیرغم اعتراضات محافل اجتماعی جهان، همچنان ادامه می دهد. اینان مبتکران تنظیم نامه ۱۴۰۰ تن از نمایندگان روشنفکران ترکیه هستند، که در آن به پایمال شدن ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی-اجتماعی و ترکیه اعتراض شده است.

نخبه های هنری و فرهنگی ترکیه متهم شده اند که قانون وضعیت فوق العاده را نقض کرده و سنا خرابکارانه سیاسی انتشار داده اند.

عزیز نسین طنز نویس برجسته ترکیه که در میان متهمان است، در جلسات دادگاه گفته است، که تنظیم نامه و امضای آن نه مغایر با قانون اساسی ترکیه است و نه دیگر قوانین.

### بیکاری روز افزون در آمریکا

از گزارشی که وزارت کار آمریکا برای وضع بازار کار در ماه ژوئیه منتشر کرده دیده میشود که ۸/۵ میلیون آمریکایی یعنی بیش از ۷/۵ درصد جمعیت فعال کشور بیکارند. در ماه ژوئن این رقم ۷/۱ درصد بود. در این محاسبه ۱/۳ میلیون آمریکایی که پس از کوششهای نوید انسه از یافتن هرگونه کاری صرف نظر کرده اند به حساب آورده نشده است. از هر ۵ نفر بیکار، یک نفر بیشتر از ۶ ماه است که محل اشتغال معین ندارد. رنگین پوستان آمریکایی و جوانان بیش از دیگران دچار عارضه بیکاری هستند. نرخ بیکاری در میان سیاه پوستان آمریکایی ۱۷/۶ درصد است که سه بار بیش از اهالی سفید پوست میباشد.

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012650  
Dr. John Takman

NAMEH MARDOM  
NO: 13  
P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

AUG. 30, 1984

Price	
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts